

## بن‌مایه‌های شهید و شهادت در شعر سید حسن حسینی

دکتر نعمت‌اله ایران‌زاده، عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی  
افسانه رحیمیان، کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی

### چکیده:

سیدحسن حسینی (۱۳۳۵-۱۳۸۳هـ.ش) از شاعران انقلابی و صاحب سبک معاصر به شمار می‌رود. شعر او نمونه بارز شعر تپنده، پرشور و حرکت آفرین انقلاب اسلامی است. اشعار او با زتاب واقعی شخصیت، افکار دینی و میهنی اوست. از بن‌مایه‌های (۱) شعری سید حسن حسینی توجه به واقعه عاشورا و تأکید هنرمندانه بر ارزش‌های الهی و بیان خاص وی درباره شهید و شهادت است. کوشش‌های وی در اعتلای ادبیات انقلاب و جنگ و دفاع درخور ستایش است. از آثار برجسته وی در عرصه جنگ و شهید و شهادت مجموعه‌های شعری «همصدا با خلق اسماعیل» و «گنجشک و جبرئیل» را می‌توان نام برد. در این مقاله به تحلیل موضوع شهید و شهادت در اشعار زنده یاد سیدحسن حسینی می‌پردازیم و به برخی از تعبیر شاعرانه در سروده‌های وی از لحاظ ادبی و زبانی اشاره می‌کنیم.

**کلید واژه:** جنگ، دفاع مقدس، شهید، شهادت، وطن‌پرستی، ادب تعهد، سید حسن حسینی.

**مقدمه:**

انقلاب اسلامی ایران در عصری شکل گرفت که فضای جامعه مملو از اندیشه‌ها و سیاست‌های مادی‌گرایانه بود و مذهب و معنویت جایگاهی در عرصه سیاسی و اجتماعی و فرهنگی جامعه نداشت. این وضع دل مردم مسلمان و آزاده ایران را به درد آورده بود؛ مردم ما با ظلم و ستم و ایستادگی و مقاومت در برابر آن آشنا بودند. واقعه عظیم دشت کربلا، امام حسین (ع) و یاران دلاور جان بر کفشان، یزید و یزیدیان ستمگر، پیروزی نهایی خون بر شمشیر و حق بر باطل، سر فرود نیارودن در مقابل ظلم و بیداد واژه‌ها و مفاهیم آشنایی برای مردم ایران بودند. اگر بخواهیم به دوره‌های اساطیری و تاریخی هم مراجعه کنیم باز با این مطلب رو به رو می‌شویم: داستان مبارزه کاوه آهنگر و فریدون با ضحاک دیو صفت ماردوش و ... .

مردم ایران ظلم و خفقان ستمشاهی رژیم پهلوی را درهم شکستند و یکپارچه و متحد، ندای آزادی و استقلال و دفاع از حق و عدالت سردادند. پشتوانه این حرکت مردمی و اعتراض در آن دوره خفقان، باورهای الهی و اعتقادات مذهبی و دینی بود. رهبری امام خمینی (ره) و حضور روحانیون در صحنه انقلاب و تبعیت آنان از رهبری نهضت اسلامی، عوامل انسجام و وحدت ملی - مردمی را فراهم کردند. تمام گروه‌های مردمی اعم از مرد و زن، پیر و جوان، تحصیل کرده و بازاری دست به دست هم دادند و در جبهه‌های مختلف به فعالیت پرداختند و زمینه را برای این پیروزی مقدس فراهم نمودند. انقلاب مردمی آرام آرام به ثمر نشست هر چند که در این راه، انسان‌های آزاده و فرزانه‌ای را از دست دادیم ولی یاد و خاطر آنها همیشه با ما بوده و خواهد بود و خون آنها در پای درخت حق هرگز پایمال نخواهد شد. تک تک مردم در قبال شهیدان گلگون کفن مسئول و پاسخ‌گو هستند. در این میان مسئولیت کسانی که امور فرهنگی را عهده دار هستند، سنگین تر است؛ از جمله شاعران و نویسندگان که تصویر ساز و روایت‌گر منظوم و منثور این صحنه‌های ایثار و مقاومت و نبرد برای نسل‌های بعد از انقلابند. آنها باید در قبال هر بیت و سطر متعهد و مسئول باشند و با عبارات منظوم و منثور خود نسل حاضر را در جریان وقایع، قرار دهند. کاری را که شاعران متعهد انقلاب اسلامی بر عهده گرفتند شاید به جرأت بتوان گفت همان ارج و اجر مبارزان

و شهیدان را دارد. آنها مردم را از خواب غفلت بیدار کردند و با اشعار خود پیوسته یادآور شدند که امنیت و آسایش حاکم بر جامعه به راحتی و سهولت به دست نیامده و برای دست یافتن به چنین کشوری تاوان سنگینی داده ایم.

مرحوم سید حسن حسینی از شاعران متعهد و انقلابی و معتقد روزگار انقلاب اسلامی به شمار می رود. وی جزو نادر شاعرانی است که توانست تعهد خود را در قبال انقلاب و شهیدان به خوبی و تمام و کمال به انجام برساند و جانبازی ها و از خود گذشتگی های فرزندان غیور میهن اسلامی را به تصویر بکشد. اینک با بررسی آثار این شاعر گرانقدر، موضوع (۲)، شهید و شهادت (۳) را که از مضامین (۴) اساسی شعر اوست، از دید او بررسی می کنیم هرچند که این مختصر، گنجایی این مفاهیم والا را ندارد.

\*\*\*\*\*

سید حسن حسینی از برجسته ترین شاعران انقلاب اسلامی است که بر مبنای آرمان های مقدس اسلامی و ملی خود، سروده های پرمحتوا و نغزی را از خود به یادگار گذاشته است. این آرمان های پاک و مقدس با روح و جان وی عجین شده بود و در چندمجموعه شعری او مجال بروز یافت. او در قبال مردم و میهن خود احساس مسئولیت و تکلیف نمود و در سنگر شاعری به ترویج اهداف والای رزمندگان و شهیدان همت گماشت. دوره سرایش اشعار وی، دوره ای بود که آزادی بیان و اندیشه در جامعه نوپای ایران در پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مفهومی واقعی و عینی یافته بود. هر شاعر بر حسب میل و علاقه خود، در هر قالب و موضوعی که می خواست به هنرنمایی می پرداخت. شاعران، دیگر تحت فشار و زور گویی رژیم حاکم نبودند که خلاف میل آنان سخنی نگویند و حقایق را پنهان کنند. آنچه موجب افتراق و امتیاز سید حسن حسینی بر معاصرانش گشته و حتی باعث ماندگارتر شدن نام و یاد وی می گردد، نگاه خاص او به دفاع مقدس و سروده های او در موضوع «شهید و شهادت» است.

«شهید و شهادت» بعد از پیروزی انقلاب اسلامی از موضوعات مهم و مورد توجه جامعه ایران بود و پرداختن به توصیف و تحلیل این موضوع با استقبال زیادی از سوی فرهیختگان و دانش پژوهان و حتی عامه مردم مواجه شد و با وجود آثار ارزنده و گرانسنگ و فعالیت های علمی و ادبی و فرهنگی و هنری باز هم جای کار دارد. اینکه چه نوع سبک و بیانی برای

مطرح کردن عقاید و عواطف نویسندگان و شاعران در این زمینه مناسب است، خیلی مهم و ضروری بود؛ چراکه مخاطب این آثار مردمی بودند که بعد از این انقلاب تاریخی، ضمن خوشحالی و داشتن غرور ملی و وطنی از پیروزی حق بر باطل، داغدار و سوگوار گلگون کفنان خود نیز بودند و نسبت به این واژه مقدس و حفظ تقدس آن کاملاً حساس و باریک بین بودند. سید حسینی با آگاهی کامل از روحیه مخاطبانش، آثاری ارزنده خلق کرد که در طی ادوار مختلف زنده و جاوید خواهند ماند. از جمله آثار شاعر، «همصدا با حلق اسماعیل» و «گنجشک و جبرئیل» است؛ البته باید اشاره کرد که اگر اجل به اورخصت می داد آثار پرارزش دیگری را نیز در این حوزه به رشته تحریر درمی آورد؛ هرچند که او در همین دو اثر کار چندین اثر را به انجام و اثبات رسانده است. روح پر فتوحش قرین رحمت الهی باد.

آنچه که بر ارزش بیش از پیش اشعار حسینی افزوده و او را سرآمد دوران خود کرده است، بهره گیری وی از مضامین والای کلام الهی - قرآن کریم - و احادیث نبوی است. حسینی به آیات قرآن در قالب عباراتی ساده و پرمضمون استناد کرده است. حال به بررسی برخی از مضامین قرآنی مرتبط با موضوع «شهید و شهادت» در اشعار حسینی می پردازیم.

### شهیدان زنده اند:

حسینی مرگ مبارزان راه حق را مرگی سرخ و سعادت الهی می داند و در وصف عظمت مقام و منزلت شامخ شهیدان با صراحت بیان می کند که شهیدان زنده اند و در نزد پروردگارشان روزی می خورند: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أحياءٌ عند ربِّهم يُرزقون» (۵)

سید حسینی با بکارگیری این مفهوم والا برای شهدا حال و هوای عرفانی خاصی به فضای شعر و روح و جان خوانندگانش می بخشد و خود و به حال خویش غبطه می خورد که از چنین سعادت عظیمی محروم است..

چه مقامی والاتر از مقام و منزلت شهیدان که در نزد معبود ازلی و ابدی خود متنعم می شوند و چه نعمتی بالاتر از درک و معرفت معبود برای مخلوق شیرین تر! خداوند متعال با

صراحت در قرآن کریم دربارهٔ مقام شامخ شهیدان می‌فرماید: «وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ: شما حق ندارید کسانی را که در راه خدا جان می‌دهند، مرده بخوانید آنها زنده‌اند، زنده جاویدان و از روزی‌های معنوی در پیشگاه خداوند برخوردار می‌شوند؛ اما شما که در چهاردیواری محدود عالم ماده محبوس و زندانی هستید این حقایق را نمی‌توانید درک کنید.» (۶) شهادت در راه خدا و طریق حق و عدالت به معنی فناء و مرگ نیست بلکه سعادت است و زندگی جاویدان و افتخار ابدی!

روزی خوران سفرهٔ عشق اند تا ابد / ای زندگان خاک مگویید مرده‌اند (۷)

### سوگ برای شهیدان

حسینی با تکیه بر اصل معنوی جاودانگی و سعادت ابدی شهیدان، سوگ گرفتن را برای شهیدان بی‌معنا قلمداد می‌کند؛ شاید این عقیدهٔ شاعر را بتوان اینگونه تعبیر و تفسیر کرد: سوگ و ماتم گرفتن برای شهیدان نوعی بی‌توجهی به آرمان‌های والا و تحقیر عظمت هدف‌های آنان است. با این توضیح مشاهده می‌شود که سوگ در اشعار حسینی جایی برای ظهور و بروز ندارد؛ چرا که سوگ در مرگ کسی است که در طول حیاتش دغدغه و مشغله‌ای جز دنیا و مال و منال آن نداشته و در پایان عمرش هم بدون هیچ آمادگی معنوی از این دنیا کوچیده باشد و توشهٔ آخرت او کم و بی‌ارزش باشد. بنابراین اگر هم مردم داغدار، مراسم سوگ و ماتمی برپا می‌کنند به حال خود گریه و زاری می‌کنند که از فیض وجود این گهرهای ناب بی‌نصیب گشته‌اند.

هر چند شکسته ساز خوش آهنگش / در خویش فشرده مرگ، تنگاتنگش  
 بر مزرع سرخ شیعه خوش می‌تابد / خورشید شقیقهٔ شقایق رنگش (۸)

مرده پرست نیم..... / هر صبح و شام / رو به قبلهٔ یاد تو / نماز افسوس می‌گذارم. (۹)

### فتح قریب:

حسینی با استناد به آیات شریفه «أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ» (۲/۲۱۴) و «وَأُخْرَى تَحِيَّوْنَهَا نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ» (۱۳/۶۱) و «إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ» (۱/۱۱۰)،

پیروزی رزمندگان را امری حتمی و مسلم دانسته است. خداوند در قرآن کریم برای مبارزان راه خود مژده و بشارت پیروزی داده است. مردم غیور و ایثارگر ایران در پرتو لطف الهی و رهبری شایسته و بایسته امام خمینی و مبارزه جان فشانانه رزمندگان به مفهوم واقعی نصر من الله و فتح قریب دست یافتند.

بانگ تکبیرشان، مژده فتحی است قریب / تا دژ نصر من الله بود سنگرتان (۱۰)  
گر جهد کنی و عازم راه شوی / از اوج و نشیب راه آگاه شوی  
بر قلّه « فتح » می نشینی تو، اگر / فریادگر « نصر من الله » شوی (۱۱)

### باطل رفتنی است

حسینی با استناد جستن به آیه شریفه « جاء الحق و زهق الباطل إن الباطل كان زهوقا » (۸۱/۱۷) به روحیه امیدواری مردم برای دستیابی به پیروزی اشاره کرده و اعلام می کند که هر چند مردم ایران در طول دفاع مقدس و جنگ تحمیلی سختی‌های بسیاری را متحمل شدند و غیور مردان بزرگی را از دست دادند ولی برق امید در چشمانشان می درخشید؛ حق یار و یاور آنها و آنها طالب و جویای حق و راستی بودند. مسأله پیروزی حق بر باطل در طول تاریخ مبارزاتی مسلمانان امری مسلم و بدیهی بوده، هر چند که با تأخیر و دشواری همراه است؛ هر چند که باطل صولتی و دولتی دارد، رعد و برقی می زند، کفر و فری نشان می دهد ولی عمرش کوتاه است و سرانجام به دره نیستی سقوط می کند. ظلم و فساد رژیم پهلوی نیز برای ایرانیان پایانی جز نابودی و زوال نداشت.

خفاش اگر برید خون ستاره، غم نیست / باشد شبان تیره آستن سحرها (۱۲)  
هیچ کس باور نداشت / کرانه ای / به ترانه ای / غروب گرداب را در خواهد نورید / و  
آستین منطقی ساحل / به لبخندی فاتح / برهان قاطع کوسه ها را / باطل خواهد کرد. (۱۳)

### عبودیت برای خداست و بس

از مهمترین عواملی که حسینی از آن به عنوان انگیزه و محرک اصلی و استوار شهیدان در رابطه با مقاومت و ایستادگی در برابر رژیم دیکتاتور و مستبد حاکم بر ایران یاد می کند این

است که چرا آدمی باید در برابر غیر خدا سر تعظیم فرود بیاورد؟ حال آنکه عبودیت انسان فقط و فقط خاص خداست؛ همه انسان‌ها از حقوق یکسانی برخوردارند و کسی را بر دیگری اعم از فقیر و غنی از لحاظ بندگی به درگاه حق برتری نیست. رژیم پهلوی انتظار داشت مردم آزاده و باایمان غلام حلقه بگوش آنها و سیاست‌های نادرست آنها باشند و هیچ اعتراض و انتقادی را نسبت به اعمال خود و وضعیت موجود نمی‌پسندید و این در واقع نوعی پذیرش ظلم و اجحاف در حق مردم بود؛ در صورتی که خداوند متعال هرگز در حق بندگان ظلم نمی‌کند و ظلم کردن را هم منع و پذیرش آن را محکوم می‌کند. در قرآن کریم بارها به مسأله ظلم زدایی و ظلم ستیزی اشارت رفته است: «وَإِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا» (۴۴/۱۰) و «وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ» (۱۴۰/۳) «وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ» (۵۱/۸) «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (۱۹۰/۲) و ... مقاومت و قیام در برابر دیکتاتوری و ظلم و ویژگی ذاتی فرهنگ اسلامی و از جمله مردم مسلمان ایران است. مردم آگاه ایران در برابر ظلم سکوت نکردند و برای ریشه کن ساختن ظلم و ظالم تا پای جان مبارزه کردند. ای آنکه سربلند مرا آفریده ای / جز پیش آستان تو سر خم نمی‌کنم (۱۴)

### شهیدان حاملان امانت الهی

سید حسینی چنان استادانه و با تفکر از آیات قرآن بهره جسته که گویی قرآن را پیش چشم خود داشته و با الهام گرفتن از آیات شریف آن، به استواری و غنای اشعار خود افزوده است. وی مقام والای انسان را به عنوان خلیفه خداوند بر روی زمین به طور اعم و عرفا و شهدا به طور اخص متذکر شده و آنان را امانت دار واقعی و بر حق امانت الهی دانسته است و معرفی نموده است. شهداء این امانت با ارزش را به صاحب اصلی آن بازگرداندند. این مضمون در اشعار وی یادآور این آیه شریفه از قرآن کریم می‌باشد: «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا» (۷۲/۳۳)

بار امانتی که فلک برتافتش / بر دوش جان نهاده، بر این راه برده اند (۱۵)

و تداعی گر این بیت مشهور حافظ شیرازی:

آسمان بار امانت نتوانست کشید / قرعه فال به نام من دیوانه زدند

## لقاء الله

اشعار حسینی تجلی زیبایی از عشق و عرفان است. او مردانی را که با دشمن جنگیدند و از جان و مال خود در راه حفظ ایمان و عقیده دینی شان گذشتند، می ستاید و شهادت را برازنده آنها و آنها را آراینده شهادت می داند. او معتقد است که مرگ آنها مفهوم واقعی لقاء الله را در ذهن هر انسان آگاهی متداعی می کند. آری، آنها خود را مهیای پیوستن و تقرب به معبود لایزال ساختند. آنها لحظه باشکوه دیدار با معبود ازلی و ابدی را در این دنیا تجربه و اثبات کردند. شهیدان بزرگمردان جبهه‌های ایثار و نبرد انسان‌هایی بودند که روحشان زمینی نبود، آنها آسمان سیرت بودند و با حضور خود در میدان‌های جنگ مقدمات عروجشان را به مبدأ اصلی خود فراهم کردند. لقاء خداوند شیرین‌ترین لذتی بود که رزمندگان با شهادت خود به بهره‌مندی از آن نائل آمدند. چه نعمتی برتر و بالاتر از دیدار و قرب به حق؟! شایان ذکر است که به عقیده گروهی از مفسرین قرآن، منظور از ملاقات و رؤیت خداوند، ملاقات حسی نیست بلکه شهود باطنی است. شهیدان به سبب پاکی و تقوا به جایی رسیدند که خدا را با چشم دلشان مشاهده کردند (۱۶).

این بی‌شمار لاله‌رخان در هوای یار / تا روز وصل، ثانیه‌ها را شمرده‌اند (۱۷)  
جوشنده رودی پاک از سرچشمه خلق / سوی لقاء الله جاری با شتابند (۱۸)

## تحقیر مرگ

از دید حسینی شهیدان نه تنها از مرگ هراسی به خود راه ندادند بلکه بی‌هیچ ترسی، مرگ را به سخره گرفتند و خود به استقبال آن رفتند. او معتقد است که شهیدان در این راه و رسم آیینی و بهنجار، هنجار شکنی و به نوعی سنت‌گریزی کردند؛ چراکه آنها مرگ سیاه و هولناک را به مرگ سرخ و شیرین و خواستنی بدل کردند. آنها مرگ را چون عروسی زیبا و خضاب به دست تصویر کردند و با خون خود مرگ را با معنایی عرفانی و معنوی آراستند. آنها از گذرگاه خطرناک و دهشتناک مرگ به یاری ایمان راسخ خود به سلامت و آرام عبور کردند و داستان مرگ عذاب‌آور را به بوته خاموشی و فراموشی سپردند. کدام جراحی بی‌رحمانه است که موجب آرایش و زیبایی انسان بشود؟ مگر غیر از این است که زخم و جراحی



سبب پریشانی احوال و نابسامان کردن وضعیت روحی و جسمی بیمار می شود؟ حسینی در اشعارش نشان داد که زخم و جراحت دشمن نه تنها موجب پریشان حالی رزمندگان ما نشد بلکه زمینه را برای عروج و تقرب آنها فراهم کرد و مایهٔ زینت و آرایش آنها شد. کس چون تو طریق پاکبازی نگرفت / با زخم نشان سرفرازی نگرفت زین پیش دلاورا، کسی چون تو شگفت / حیثیت مرگ را به بازی نگرفت (۱۹)

### آب حیات

داستان آب حیات و راز جاودانگی آن، در اشعار حسینی رنگ تازه ای به خود می گیرد. او با ظرافت اندیشی‌های خاص خود بر این باور است که شهیدان در طی مسیر جنگ، توانستند به آب حیات که همان نوشیدن شهد شیرین و گوارای شهادت از دم تیغ دشمنان است، دست یابند. چنین حرکت خداپسندانه ای، جز عمر جاویدان چه پاداش و جزایی می توانست داشته باشد؟! شهادت، آنها را هم در این دنیا و هم در آن سرا جاودانه ساخت. آنها زندگان همیشه تاریخند و یاد و نامشان، از همه مهمتر حرکت غرور آفرینشان همواره بر تارک این ملت مسلمان و آزاده درخشید.

آنان که حلق تشنه به خنجر سپرده اند / آب حیات از لب شمشیر خورده اند

تا در بهار بارش خون بارور شود / نخلی نشانده اند و به یاران سپرده اند (۲۰)

بزرگمردانی که با ریختن خون خود نهال سرسبز انقلاب را آبیاری و سیراب کردند و قوت و بالندگی آن را تضمین کردند. ثمرهٔ این نهال نورسته در عصر ما، استقلال، آزادی رای، امنیت و نوع دوستی و ... است. وظیفهٔ هر فرد ایرانی حفظ سرسبزی و نشاط این نهال، با جامعهٔ عمل پوشاندن به آرمان‌های مقدس غیورمردان و دلاوران دشت خون و حماسه است. مردان باایمان و خداجویی که حسینی در اشعارش به توصیف آنها پرداخته است، بنا بر دلایلی آرام و فرارنداشتند؛ از جمله:

آشفتگی اوضاع کشور به دلیل سیاست‌های غلط و مستبدانهٔ رژیم حاکم که موجبات پریشان حالی و ناراحتی مردم رنج دیده و مظلوم را فراهم کرده بود؛  
تحمل فشار بیش از حد ظلم و بی عدالتی و تحکم رژیم حاکم به قصد تحمیل عقاید

ضد دینی که با روحیه خداجویانه و خداگرایانه مردم مسلمان ایران سنخیتی نداشت؛ قانونی جلوه دادن اعمال نامشروع و رواج فساد و تباهی، بدحجابی، توهین به اعتقادات و باورهای دینی مردم و ... .

### بیداری شهیدان و غفلت ستیزی آنان:

شهیدان خونین کفن قادر به تحمل وضعیت تحمیلی رژیم حاکم نبودند و دفاع از بنیان‌های دینی خواب و آسایش را بر دیدگان آنها حرام کرده بود. چرا آدمی باید در سرای اجتماعی خود، در وحشت و خفقان و انزوا به سربرد؟ چرا باید حق‌گویان و حق‌جویان سرکوب شوند؟ چرا مردم نباید در امور مربوط به کشور خود اظهار نظر و دخالت کنند؟ این چراها و هزاران اما و اگر دیگر، ذهن مردم آگاه و بیدار ایران را مغشوش ساخته و موجب خشم و نارضایتی آنها شده بود و در نتیجه آرام آرام زمینه را برای ایجاد یک حرکت و جنبش گسترده و عظیم مردمی - انقلاب - فراهم کرد. حرکت خود جوش مردم در مدت زمانی اندک، به یاری خدا و رهبری امام خمینی (ره) و رهنمودهای ارزنده ایشان، با چنان سرعتی سازماندهی شد که چهارستون دستگاه حاکم را به لرزه درآورد و آنها را به ترس و وحشت انداخت. حکومت وقت هرگز چنین حرکت و انقلابی را علیه خود پیش بینی و باور نمی‌کرد؛ بناچار برای کمرنگ نشان دادن این حرکت انقلابی که آن را تهدید و شورشی بزرگ علیه سیاست‌های به ظاهر ناب خود می‌دانست، روند دستگیری و تبعید رهبران و حامیان مردم و حتی به خاک و خون کشیدن مردم مظلوم و بی‌دفاعی که فقط خواهان احیای حق طبیعی و مسلم خود بودند را در پیش گرفت و به خیال خود آنها را تا حدی ساکت و خاموش کرد و به وحشت انداخت. با افزایش شمار کشته شدگان، مردم با قدرت و همت بیشتری به مبارزه و مقاومت ادامه می‌دادند؛ چرا که آنها نه تنها به تحقق اهداف والای خود می‌اندیشیدند بلکه از همه مهمتر، برای حفظ حرمت خون‌های ریخته شده در این راه پرخطر هرگز حاضر به عقب نشینی نبودند. انقلاب اسلامی ایران در پی چنین رشادت‌ها و دلاوری‌های مردمی و پرپر شدن جوانان غیور به ثمر نشست. مردم بیدار ایران با از دست دادن سرمایه‌های ارزشمندی که آرامش و آسایش فردی را بر خود حرام کردند صاحب

کشوری آرام و امن گشتند و افتخار داشتن شهیدانی گلگون کفن را در کارنامه ملی خود ثبت کردند؛ البته گفتنی است که کسب چنین افتخار بزرگی نوعی تعهدات و التزامات خاصی را به دنبال دارد که از جمله آنها حفظ تقدس نام شهیدان و عمل به سفارشات آنها و جامعه عمل پوشاندن به آرمان‌های پاک و مقدس آنها می باشد.

این طرفه مردانی که خصم خوف و خوابند / بر حلق ظلمت خنجر تیز شهباند  
در اوج ایمان پاسدار نهضت حق / شأن نزول آیه‌های انقلابند (۲۱)  
آه ای عالم ربانی عشق! / در کتاب ابدی / شرح منظومه بیداری ما را بنویس! (۲۲)  
از آن روز / بر چشم‌های قبيله / گریه، مکروه / خفتن، حرام / و دیدن - عمیق دیدن - /  
واجب عینی شد! (۲۳)

### حق پایمال ناشدنی است

اعتقاد مذهبی و دینی مسلمانان بر این است که حق و خونی که در راه آن ریخته شود پایمال و زائل نمی شود؛ هر چند که تأخیری در رسیدن به حق و دفاع از آن به وجود آید. خون شهیدان که به دنبال دست یافتن به هدفی والا ریخته شد، نباید پایمال اهداف شوم دشمنان حق و راستی شود و دشمن خود کامه روزی به فرجام بد اعمال خود خواهد رسید. اگر چه شهیدان رفتند اما زمزمه خون آنان در گوش هر ایرانی پیچیده و هرگز به خاموشی و زوال نخواهد گرایید. شهیدانی که در جنگ حق علیه باطل جان شیرین خود را از دست دادند حق بزرگی بر گردن مردم ایران دارند و مردم مسلمان ایران آبرو و عزت خود را مروهون شهیدان است. خداوند متعال در قرآن کریم نیز به حفظ حق شهیدان توجه ویژه ای نشان داده اند: « وَالَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَنْ يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ » (۴/۴۷).

نشود زمزمه خون شهیدان خاموش / سوز عرفانی این نغمه ز سازی دگر است (۲۴)

### سکوت، رساترین فریاد

شهیدان لاله‌های خاموش باغ هستی اند که فریادشان را به گوش عرشیان رساندند. فریاد آنها با شهادتشان توأم گشت چه فریادی محکم تر و کوبنده تر از پیروزی خون بر شمشیر و

حق بر باطل! آنان با شهادت خود، حرفشان را به کرسی عمل نشانند. شهادت آنها رساترین فریادها بود. آنها با شهادت خود به ما درس ایثار و شجاعت و شهامت و بیداری دادند؛ بیداری در برابر تهدیدات بیگانگان و نقشه‌های شوم آنها.

بین لاله‌هایی که در باغ ماست / خموشند و فریادشان تا خداست  
چو فریاد با حلق جان می‌کشند / تن از خاک تا لامکان می‌کشند

سزد عاشقان را در این روزگار / سکوتی از اینگونه فریاد وار (۲۵)  
با ما به جز اسرار بیداری نگفتند / بیدارمان کردند خود در خاک خفتند (۲۶)

### حلاج‌های دوران

شهیدان به معراج رفتند و خود را از بند دنیا و تعلقات آن رهایی بخشیدند. آنها به زمین تعلق نداشتند، انس دل آنان با خالقشان بود و تاب و تحمل دوری از وی را نداشتند؛ آنان بر ذوالجناح ایمان سوار شدند و به خدا و معرفت او پیوستند. شهیدان حلاجان زمانه خود بودند که رژیم منحوس پهلوی وجود پر فتوح آنان را درک نکرد و آنها را محکوم به اغتشاش‌گری و منحرف‌کننده افکار مردم ساخت. اتهام اصلی وارد بر آنها از سوی رژیم ستمشاهی عدالت‌جویی، نفاق‌ستیزی، گریز از اشرافیت پرستی، جدال با ریا و ریاکاران و برهم‌زننده آرامش‌کدایی آنها و ... بود. آنها حلاج وار از این دنیا رحل‌اقامت خود را برچیدند و رفتند. و حسرت بر دشمنان ماند که راز واقعی وجود آنها و حتی عروج آنها را از نزد خود درک نکردند و یا نخواستند درک کنند.

با ذوالجناح نور تا معراج راندند / تا وعده گاه عشق، تا حلاج راندند (۲۷)

### مرغ باغ ملکوت

از نکات بارز در شعر و اندیشه حسینی ضرورت بازآفرینی میراث فرهنگی و آیینی ایران اسلامی در دوره جدید است. تشبیه روح و جان به پرنده از جمله این آیین‌هاست. در متون عرفانی بارها جان به جهت صفا و پاکی به مرغ باغ ملکوت تشبیه شده است. جان شهدا مرغ سبکبالی است که در آسمان تقدس و معنویت به پرواز درآمده و نشیمنگاه و آشیانه واقعی

او، پیشگاه حقّ است. بال و پر مرغ جان آنها ایمان است که از اجزاء لاینفک شان به شمار می رود که با توجه به اصل فلسفی «انفکاک شیء از نفس خود محال است» نمی توان چیزی را از ذات خود باز داشت. پرواز آنها به سوی حقّ نیز جزو وجود آنها گشته بود؛ بنابراین عاشقانه در باغ معرفت الهی بال گشودند و ترانه پرواز سر دادند.

آیین پر گشودن کی می توان زدودن / سوزند گر ز مرغان اینگونه بال و پرها (۲۸)

### الگو گرفتن از حماسه عاشورا

حسینی نیز چون دیگر شاعران این دوره، حماسه دفاع مقدس را منشأ گرفته از حماسه عاشورا دانسته و شهیدان انقلاب را ادامه دهندگان واقعی راه سیدالشهدا می داند. تفکر غالب در شعر این دوره تأثیرپذیری از واقعه کربلا و حماسه خونین عاشورا بود. می توان گفت که مهمترین انگیزه رزمندگان انقلاب برای مقاومت در برابر رژیم پهلوی الگوپذیری از سیدالشهدا و یاران باوفای ایشان بود.

هنوز/ تقدیر کهکشانی ناملموس / بر مدار / خون دنباله دار تو / احساس می شود! (۲۹)

### ایمان تیغ برنده

مردم ایران در پناه ایمانی راسخ و استوار، بیگانگان را به ستوه آوردند. ایمان آنها برنده ترین و تیزترین شمشیرها بود. سلاحی که هم ابزار جنگی آنها بود و هم سپر و محافظ آنها از خطر لغزش؛ بزرگترین و قویترین ابزار جنگی دشمن در برابر این سلاح با ارزش نمی توانست کاری از پیش ببرد. مردم مسلمان ایران با تکیه بر ایمان راسخ و توکل به خدا و توسل جستن به ائمه معصومین (علیهم السلام) از جمله امام حسین (ع) محشری عظیم برپا کردند. حسینی ایمان را سدی مستحکم دانسته که دشمن زورگو نتوانست آن را بشکند و در میان مردم نفوذ کند.

بکش شمشیر ایمان را، بزن راه پلیدان را / به چنگال جهانخواران فرو کن خنجری دیگر  
 هماواز خمینی شو، ز جان و دل حسینی شو / بزن در عرصه عالم صلاهی محشری دیگر (۳۰)

## دریای خروشان خون

انقلاب اسلامی ایران پیروزی و نصرت خود را مرهون خون پاک شهیدان است. اگر مردم ایران مردمی تن پرور و خودخواه بودند و در قبال میهن اسلامی و مردم هموطن خود احساس مسئولیت و تعهد نمی کردند، آیا ما اینک لذت داشتن کشوری آرام و مستقل و اسلامی را می چشیدیم؟ انقلاب اسلامی ما شکل گیری و توسعه و پیشبرد خود را مرهون مردمی است که در تمامی مراحل جنگ و دفاع مقدس یار و پشتیبان هم بودند و با وجود از دست دادن جوانانی جان بر کف، دست از مبارزه و ایستادگی برنداشتند. تک تک خون‌هایی که در راه پیروزی این انقلاب شکوهمند و پرثمر ریخته شد، ارزشمند و مقدس اند. سفاکان بی رحم دوران معاصر خون جوانان بی گناه و حق طلب را می ریختند غافل از اینکه همین خونها دریایی خروشان خواهد شد و آنها را به ورطه نابودی و هلاکت خواهد افکند. ملت ما با جنگ بیگانه نبودند؛ شهادت عنوانی غریب برای آنها نبود؛ آنها در تمام ادوار تاریخی نشان داده بودند که هرگاه خطری مردم و مرز و بوم سرزمین شان را تهدید کند آماده جنگ و دفاع و از خود گذشتگی اند و خاک و وطنشان را با خون خود حراست خواهند کرد. به یمن خون آن پاکان فنا گشتند سفاکان صفای روحشان در کش ز قرآن ساغری دیگر (۳۱)

## گل‌های پرپر

نکته درخور توجه در بررسی آثار حسینی این است که او حتی در اثر منظوم دیگرش با عنوان نوش داروی طرح ژنریک که کاملاً طنزآمیز ولی با جدیت همراه است نیز به مقوله شهید و شهادت می پردازد. این از ابتکارات و نوآوری‌های حسینی است که از هم زیستی واژه‌های متنوع، طرحی نو می آفریند؛ طرحی که تا پیش از این بدیل و نظیری نداشته و در نوع خود منحصر به فرد است. به چند نمونه از این موارد اشاره می شود:

شاعری پرپر شد / گل کرد!

تاجری دسته گلی پرپر دید / یاد پروانه کسبش افتاد! (۳۲)

آنچه که در این ابیات توجه خواننده را بیشتر به خود جلب می کند واژه « پرپر » است. این واژه بارها به عنوان نمادی برای شهیدان به کار رفته است. شهیدان گل‌های سرخ باغ وطن اند که

توسط دشمن متجاوز پرپر شدند و با خون سرخ خود نهال انقلاب را آبیاری کردند. گل پرپر شده می پژمرد، ولی از گل پرپر شده شهیدان طراوت و شادابی بر خاک سرزمین ایران تراوید. نمونه دوم را به گونه عرفانی می توان تفسیر کرد. شاعر معتقد است که شهیدان با حرکت ایثارگرانه خود انسان ها را به یادآوری روز محشر و قیامت متذکر شدند. انسان باید همواره حساب و کتاب اعمال خود را داشته باشد.

### خفاش شوم ظلم

حسینی در خلق تصاویر نو و بدیع با عبارات ساده استاد و توانا است. قدرت خلاقیت و ابتکار او قابل ستایش است. نمونه ای از این ابداعات وی آنجا است که سردمداران رژیم حاکم را خفاش می نامد؛ خفاشانی که فقط در سیاهی ظلم و ستم قادر به زندگی کردن و نفس کشیدن اند؛ چرا که خفاش را با تاریکی انس و الفتی مستمر است. آنان روزستیز و عدالت دشمن بودند. ظلم و بیداد آنها چون بال و پر سیاه خفاش بر سرتاسر میهن اسلامی سایه افکنده بود. وجود چنین حکومت و نظامی جزء شومی و نحوست برای مردم بهره ای نداشت. تنها عاملی که می توانست بال و پر این خفاش را درهم شکنند، ایمان راسخ و اتحاد و انسجام مردم بود. نورایمان حاکم بر دل و روح مردم، موجبات آزار و اذیت این حکومت را تدارک دید. شدت تابش این نوره حدی بود که هر روز خفاش شوم ظلم، ضعیف و ضعیف تر می شد. رژیم حاکم آرام آرام به این نتیجه رسید که باید طومار سیاه اعمال خود را درهم نوردد و بساط ستمش را درهم بپیچد.

خورشید تبعیدی به زندان افق بود / شب در هجوم بال خفاشان قرق بود  
خفاش را بال و پر پرواز بستند / با گرز ایمان گردن شب را شکستند (۳۳)

### حماسه

حماسه در لغت به معنی دلیری، دلاوری و شجاعت است و در اصطلاح شعری بلند و روایی است که بنیاد آن بر موضوعی جدی و رزمی و سبکی فخیم نهاده شده است. منظور از حماسه در شعر، رویداد و واقعه باور ناکردنی است که شامل کارهای خارق العاده و غیر واقعی می شود و سراینده حماسه منظوم تا آنجا که برایش مقدور باشد به آن شاخ و برگ می دهد و آن را

بسی بزرگتر از آنچه که در واقعیت وجود دارد ترسیم می‌کند. (۱۰) قهرمانان حماسه شخصیت‌هایی اسطوره‌ای هستند که برای رسیدن به درجه قهرمانی باید از هفت خوان دشوار و سهمناک بگذرند و همه نیروهای اهریمنی و دشمنان خود را به یاری نیروهای اهورایی شکست دهند؛ اما حماسه رزمندگان و شهیدان انقلاب با وجود خارق‌العاده بودن، کاملاً باور کردنی و واقعی بود. رسیدن به عنوان قهرمانی در حماسه انقلاب امری دور و دست‌نیافتنی نبود. در اشعار حماسی - اسطوره‌ای بیش از یک یا دو قهرمان وجود ندارد؛ حال آنکه قهرمان حماسه انقلاب گروه‌گسترده‌ای از مردم غیور و ایثارگر می‌باشند. شاعری که راوی منظوم صحنه‌های جنگ و نبرد قهرمانان انقلاب است دیگر بر خود التزامی نمی‌بیند که از گاه، کوه بسازد بلکه باید قدرت توصیف این حقایق و وصف ناشدنی را داشته باشد. حسینی که در سرایش اشعار حماسی در دوره معاصر استاد است با ابراز افتخار و احساسات غرورآمیز نسبت به قهرمانان شیرمرد و دلاور، خدا را به جهت داشتن چنین سرمایه‌های ارزشمند و پهلوانان ناماور شکر و سپاس می‌گوید:

تا بار دگر حماسه تکرار کنیم / برخیز دوباره عزم پیکار کنیم  
وقت است به شکرانه بیداری خویش / عالم همه را ز خواب بیدار کنیم (۳۴)

### صحیفه سرخ شهادت

سید حسینی در یکی از سروده‌های خود در قالب نو در ترکیبی زیبا و بدیع به این نکته اشاره می‌کند که شهدا کتاب سرخ شهادت را شیرازه بستند و آن را با مفاهیم و مضامینی ارزنده و مقدس برای نسل‌های آینده به یادگار گذاشتند. کتابی که تمام مردم ایران سطر سطر آن را در لوح سینه خود حک کرده و ازبر دارند. این کتاب بر خلاف کتاب‌های دیگر که با گذشت زمان مطالب آنها کلیشه‌ای می‌شود روز به روز تازه تر و با ارزش تر جلوه می‌کند. تمام خطوط این کتاب به خون سرخ شهیدان نوشته شده است و می‌توان گفت که اولین و آخرین کتابی است که هنوز به شماره در نیامده است و به جهت دنباله دار بودن راه شهیدان، این کتاب هرگز خاتمه‌ای نخواهد داشت:

یاران شب زنده دار / این عاشقان سینه چاک خاک عطشناک کربلا  
دلدادگان ذکر و مناجات نیمه شب -



شبانہ بر دشت گلگون قامتشان / دهان زخم شقایق می خندد  
و بند بند رگان غیرتشان جاودانه / کتاب سرخ شهادت را شیرازه بستند. (۳۵)  
«گنجشک و جبرئیل» و «نوش داروی طرح ژنریک» و «همصدا با حلق اسماعیل» حسینی  
در یک نگاه:

حسینی در مجموعه شعری گنجشک و جبرئیل مضامین دینی و مذهبی شیعی را به  
گونه ای بدیع وارد شعر معاصر کرد. وی با الهام گیری از واقعه و حماسه عاشورا، حماسه  
جنگاوران انقلاب را به نظم در آورد. نوش داروی طرح ژنریک مجموعه ای است که شادی  
و اندوه در آن به هم آمیخته اند و مرز میان جدیت و طنز از میان برخاسته است. حسینی در  
این مجموعه به ظاهر طنز آمیز نیز به مقوله مذهب و دین و شهادت به صورت جسته گریخته  
می پردازد. مجموعه شعری همصدا با حلق اسماعیل وی نیز سرشار است از مفاهیم تکاپو  
و تحرک رزمندگان که همچون شهاب شب را شکستند و با مبارزه پیوسته و آگاهانه خود  
دیو سیاه شب را از بین بردند. او برای بیان اعتقادات و احساسات خود در رابطه با شهید و  
شهادت شعر را برمی گزیند و در این راستا در قید و بند قالب خاصی نیست؛ به همین دلیل  
شعر در روزگار انقلاب اسلامی با حضور شاعرانی همچون او تازگی های خاصی را تجربه  
می کند. از جمله نوآوری های حسینی در عرصه شعر معاصر عبارتند از:

ایجاد تحول در قالب سنتی غزل: او قالب غزل را که تا پیش از آن برای بیان احساسات  
عاشقانه و عشق زمینی بکار می رفت برای توصیف مفاهیم حماسی و رزمی و جنگ و نبرد  
به کار گرفت؛

احیای قالب رباعی: او توانست با مهارت و خلاقیت شاعری خود، این قالب را احیاء  
کند؛ قالبی را که تا پیش از این بیشتر با رباعیات خیام به ذهن می رسید و آن هم در خدمت  
مفاهیم مادی و دنیاگرانه پوچ و وصف شراب و شرابخوار بود، برای بیان مفاهیم حماسی و  
جنگ و نبرد به کار برد و به نوعی رباعی حماسی در این دوره سروده شد؛  
به کار گیری قالب نو و سپید برای وصف صحنه های نبرد و جنگاوری ها و شهامت  
رزمندگان و شهیدان؛

استفاده از زبان معیار و مردمی برای بیان اندیشه های والا و اهداف مقدس شهیدان: زبان

شعری او ساده و روان و صریح و مسقیم بدون ابهام و پیچیدگی و در عین حال پر مضمون و پر محتوا است؛

بکارگیری اصطلاحات و ترکیبات جنگ و نبرد.

حضور اندیشه‌های دینی و مذهبی از جمله استفاده از مضامین قرآنی در اشعار وی؛ همه عوامل مذکور و موارد دیگر سبب شده است که اشعار او در دوره‌های بعد از دفاع مقدس نیز زنده و مورد توجه باشد و طیف وسیعی از خوانندگان را در میان اقشار مختلف مردم به خود اختصاص دهد

### نتیجه‌گیری:

شهید و شهادت از موتیوهای اصلی شعر در دوره معاصر به ویژه دفاع مقدس به شمار می‌رود. فرهنگ سرنوشت ساز شهادت در جامعه اسلامی ایران لریزه بر اندام دشمنان افکند و آنها را از نفوذهای بیشتر در دژهای مستحکم مردم ایران مأیوس کرد. سید حسن حسینی توانست این موتیو را به نحو عالی و بارز در شعرش منعکس کند. او با بیانی صریح و قاطع، نمادین و تمثیلی در طی دو اثر از مهمترین آثار گرانسنگ و ساخته خود به توصیف حرکت خداجویانه رزمندگان میدان‌های نبرد حق علیه باطل پرداخت و پرواز مرغ جان‌ها را به سوی آسمان معنویت عاشقانه و عارفانه تصویر کرد. وی در راستای تحقق بخشیدن به اهداف میهن پرستانه خویش، از اشارات قرآنی و تاریخی و اسطوره‌ای تأثیر پذیرفت و شعرش را به شیوه‌ای مدرن معماری کرد. آنچه که از تأمل کردن در اشعار وی برمی آید این است که او خود را و امدا را مکتب سیدالشهدا و یاران باوفای وی می‌دانست و توانست اندیشه‌های مذهبی خود را در اشعارش منعکس کند. نکته دیگری که از اشعار او می‌توان به دست آورد احساس مسئولیت و تعهدوی درقبال شهیدان و رزمندگان و خانواده‌های داغدار آنان است. تلاش‌های وی در جهت حفظ یاد و خاطر شهیدان گلگون کفن و نیز حفظ تقدس آرمان‌های ایشان در خور تقدیر و ستایش است. در نهایت می‌توان حسینی را علمدار شعرشعی و مذهبی و پیشتاز هنرزبانی / بیانی در عرصه دفاع مقدس و معاصر دانست. روحش شاد.

## پی‌نوشت‌ها:

۱. بن مایه (motif): درون مایه، شخصیت یا الگوی معینی که به صورت گوناگون در ادبیات و هنر تکرار می‌شود. بن مایه همچنین به عنصر تکراری در یک اثر ادبی گفته می‌شود. (سیما داد، فرهنگ اصطلاحات ادبی، ص ۵۰) دکتر شمیسا در تعریف بن مایه چنین گفته‌اند: موضوعی که در کل ادبیات کشوری یا کل آثار کسی یا یک اثر خاص تکرار می‌شود. ممکن است در آثار کسی موتیفی باشد که تازه باشد و در ادبیات آن کشور سابقه نداشته باشد. موتیف معمولاً معنوی است اما می‌تواند زبانی هم باشد؛ یعنی عبارات و لغاتی که در متنی تکرار می‌شوند؛ یا از نوع صور خیال باشد یا در داستان نویسی می‌تواند شخصیت باشد. (سیروس شمیسا، نقد ادبی، ص ۳۶۴ و ۳۶۵).
۲. موضوع: موضوع اثر (سوژه) مطلب یا مطالبی است که در اثر عمدتاً درباره آن بحث شده است. ممکن است اثری یک موضوع اصلی و چند موضوع فرعی داشته باشد. در بحث از موضوع باید به چند اصطلاح مشابه توجه داشت: تم (درونمایه)، موضوع مکرر (موتیف)، لحن، حال (مود). (سیروس شمیسا، نقد ادبی، ص ۳۷۵)
۳. کلمه شهید بیشترین بار معنایی را در بر دارد. شهید در لغت به معنی حاضر و ناظر، گواه و گواهی دهنده، الگو و سرمشق است. کسی است که همه وجود خویش را یکجا در راه آن ایدال مقدس نغمی می‌کند؛ سرچشمه تقدسی است که همه به آن معتقدیم. (علی فیاض، فرهنگنامه شریعی، ص ۱۵۳ و ۱۵۴) شهادت یعنی کشته شدن بر اثر جهاد در راه خداوند و دفاع از حریم دین که به فرمان پیامبر یا امام و یا نایب خاص او انجام گردد یا اینکه اسلام در معرض خطر باشد و شخص برای دفاع از کیان اسلام جانبازی کند. (دایره المعارف تشیع، ص ۱۰۲)
۴. مضمون (Them): در لغت به معنی در میان گرفته شده و آنچه از کلام و عبارت مفهوم می‌شود. در اصطلاح عبارت از فکر اصلی و مسلط در هر اثری است. مضمون هر اثری، جهت فکری و ادراکی نویسنده اش را نشان می‌دهد و زیربنای اصلی شعر یا داستان بر آن قرار می‌گیرد. (سیما داد، فرهنگ اصطلاحات ادبی، ص ۱۳۱) دکتر شمیسا در تعریف مضمون این گونه ایراد فرموده‌اند: مضمون در لغت به معنای در ضمن آمده مشتعل، به تم them شبیه است؛ زیرا تم هم در اصل به معنی ذخیره کردن و اندوختن است. عرصه و بیان هنری موضوع است؛ روایت ادبی موضوع در ادبیات معمولاً به صورت مضمون ارائه می‌شود. هر موضوع را می‌توان به صورت ده‌ها موضوع درآورد. موضوعات محدود و مضامین بی‌پایانند. (سیروس شمیسا، نقد ادبی، ص ۳۷۳ تا ۳۷۴)
۵. تفسیر نمونه مکارم شیرازی، ج ۱، (قرآن کریم ۳/ ۱۶۹).
۶. تفسیر نمونه مکارم شیرازی، ج ۱، (قرآن کریم ۲/ ۱۵۴).
۷. حسن؛ سید حسینی، همصدا با حلق اسماعیل، ص ۱۷
۸. همان، ص ۱۱۷
۹. همان، ص ۶۰
۱۰. همان، ص ۱۵
۱۱. همان، ص ۱۵۷
۱۲. همان، ص ۲۳
۱۳. حسن؛ سید حسینی، گنجشک و جبرئیل، ص ۷۸ و ۷۷
۱۴. حسن؛ سید حسینی، همصدا با حلق اسماعیل، ص ۱۸
۱۵. همان، ص ۱۶
۱۶. تفسیر نمونه، ج ۱ و ۱۲
۱۷. م حسن؛ سید حسینی، همصدا با حلق اسماعیل، ص ۱۶
۱۸. همان، ص ۱۱
۱۹. همان، ص ۱۶
۲۰. همان، ص ۱۶
۲۱. همان، ص ۱۲ و ۱۱
۲۲. حسن؛ سید حسینی، گنجشک و جبرئیل، ص ۱۵
۲۳. همان، ص ۱۷۰
۲۴. حسن؛ سید حسینی، همصدا با حلق اسماعیل، ص ۲۵
۲۵. همان، ص ۴۲ و ۴۱
۲۶. همان، ص ۳۸
۲۷. همان، ص ۳۷
۲۸. همان، ص ۲۳
۲۹. حسن؛ سید حسینی، گنجشک و جبرئیل، ص ۱۴
۳۰. حسن؛ سید حسینی، همصدا با حلق اسماعیل، ص ۹
۳۱. همان، ص ۷۰
۳۲. حسن؛ سید حسینی، نوش داروی طرح ژنریک، ص ۲۲ و ۲۳
۳۳. همان، ص ۳۵ و ۳۷
۳۴. همان، ص ۶۴
۳۵. همان، ص ۶۹

## منابع و مآخذ:

- اکبری، محمدتقی؛ و دیگران؛ فرهنگ اصطلاحات علوم و تمدن اسلامی، ویراسته بهاء الدین خرمشاهی، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۵.
- امامی، صابر؛ «چرا قفس» شعر (ویژه نامه دکتر سید حسن حسینی)؛ سال دوازدهم، شماره ۴، اردیبهشت، ۱۳۸۴.
- تقی دخت رهنقی، محمدرضا؛ «راهبرد شعر نو مذهبی» شعر (ویژه نامه دکتر سید حسن حسینی)؛ سال دوازدهم، شماره ۴، اردیبهشت ۱۳۸۴.
- داد، سیما؛ فرهنگ اصطلاحات ادبی، تهران: مروارید، ج ۲، ۱۳۷۵.
- دایره المعارف تشیع، ج ۷، تهران: نشر شهید سعید محبی، ۱۳۷۸.
- دایره المعارف تشیع، ج ۱۰، تهران: نشر شهید سعید محبی، ۱۳۸۳.
- رحمدل، غلامرضا؛ «حماسه در شعر انقلاب، مختصری در تاریخچه تکوین حماسه»، مجموعه مقاله‌های سمینار بررسی ادبیات انقلاب اسلامی، تهران: سمت، ۱۳۷۳.
- سجادی، سیدجعفر؛ فرهنگ معارف اسلامی (آ-ج)، ج ۱، تهران: کوشش، ۱۳۷۳.
- سید حسینی، حسن؛ گنجشک و جبرئیل، تهران: افق، ج پنجم، ۱۳۸۴.
- سید حسینی، حسن؛ نوش داروی طرح ژنریک (به انضمام چند قلم سروده دیگر)، تهران: انتشارات سوره مهر، ج ۲، ۱۳۸۵.
- سید حسینی، حسن؛ همصدا با حلق اسماعیل، تهران: حوزه هنری، ۱۳۶۳.
- شمیسا، سیروس؛ نقد ادبی، تهران: فردوس، ج ۳، ۱۳۸۱.
- فیاض، علی؛ فرهنگنامه شریعتی، تهران: نشر مهدی، ۱۳۶۱.
- کاکایی، عبدالجبار؛ آوازهای نسل سرخ (نگاهی به شعر معاصر ایران ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷)، تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۷۶.
- کریمی، احمد؛ «بازتاب دفاع مقدس در آینه شعر فارسی» [www.soreie mehr.com](http://www.soreie mehr.com).
- محدثی خراسانی، مصطفی؛ «علمدار شعر شیعی»، شعر (ویژه نامه سیدحسن حسینی)، ش ۴۱، سال دوازدهم، اردیبهشت ۱۳۸۴.
- مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه، جلد اول، دوم، سوم و دوازدهم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج سی ام، ۱۳۷۲.